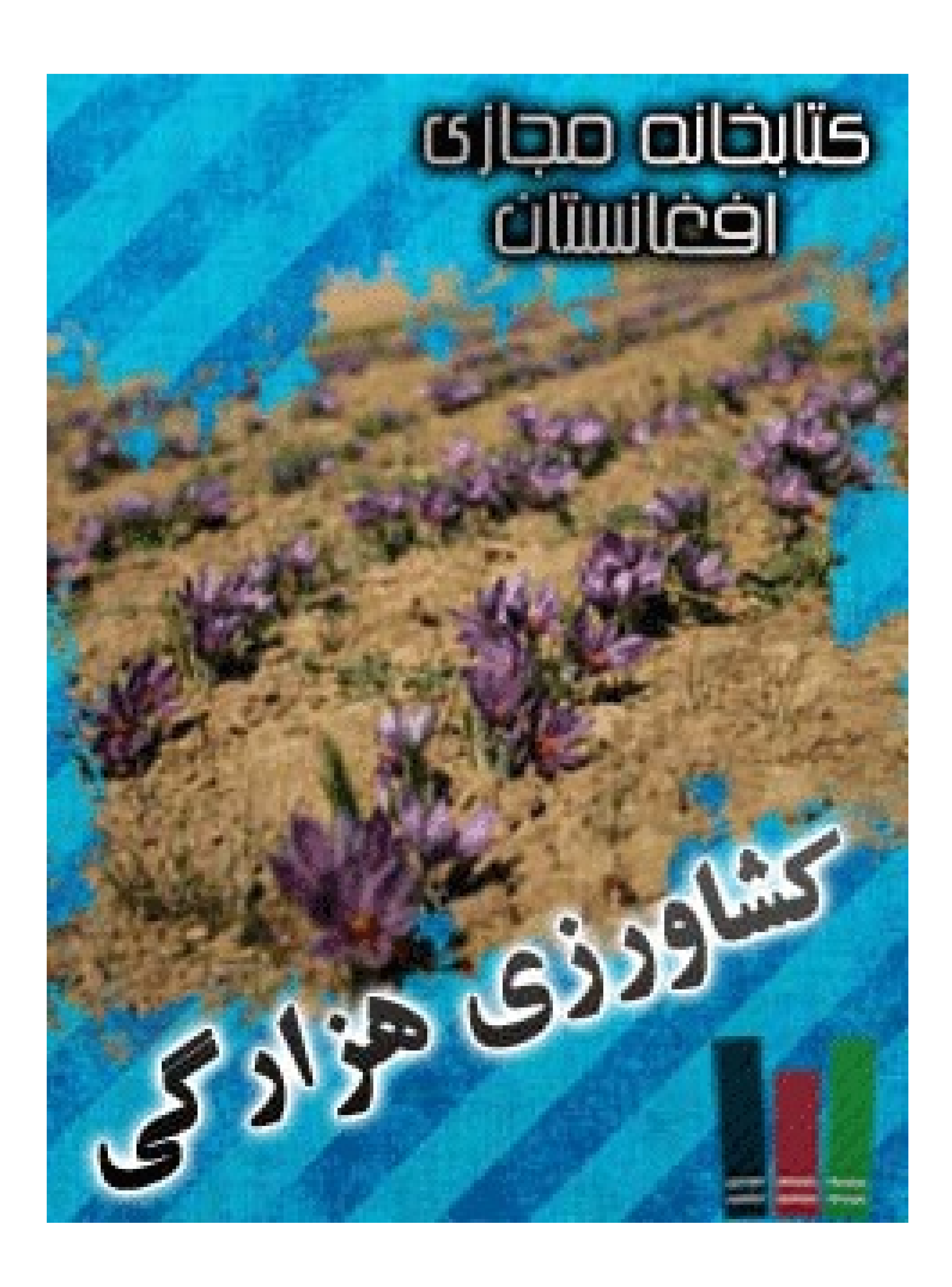

کتابخانه مجازی
افغانستان
کشاورزی هزارگی


بسم الله الرحمن الرحيم

کشاورزی هزارگی

نویسنده:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر چاپی:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

کشاورزی هزارگی

مشخصات کتاب

سرشناسه:کتابخانه مجازی افغانستان،۱۳۹۲
عنوان و نام پدیدآور:کشاورزی هزارگی/ دکتر حفیظ الله شریعتی.
مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع: کشاورزی

پیشینه ی کشاورزی درهزارستان

پیشینه ی کشاورزی درهزارستان

هزارستان یا غرجستان کهن یکی از نخستین جای‌های است که در آن با سپیده دم تاریخ کشاورزی و زراعت آغاز گردیده است. کشاورزی یکی از شاخه های اصلی اقتصاد هزارستان از گذشته تا کنون بوده است. دو عنصر مهم آب و خاک پایه‌ی اصلی کشاورزی در هزارستان را تشکیل می دهد. وجود رودهای سرشار و دشت‌های گسترده‌ای ارغنداب، زمین داور، زاولستان باستانی، گستره‌ی رودخانه‌ای هیرمند و کوه‌پایه های هزاره نشین(قول‌ها و ناوه‌ها) نشان از نخستین انسان هزاره دارند که به کشت و آبیاری و پرورش دام مشغول بوده اند. بودن ییلاق‌ها و دشت‌های سرسبز و زمین‌های حاصلخیز و اراضی مستعد و آب کافی نشان از منطقه ای مناسب برای کشاورزی درغرجستان و زولستان دارد. اهمیت کشاورزی درهزارستان و بالا رفتن میزان کشت و تاثیر آن در زندگی مردم به پایه ای بوده است که اقتصاد قومی و ملی را برآن استوار می دانسته اند و آن را همواره می ستوده‌اند. پادشاهان و حاکمان هزارستان و غرجستان کهن در بهره برداری از منابع طبیعی و آب و خاک و توسعه بازرگانی و کشاورزی که حیات اقتصادی کشور آن‌ها را تضمین می کرد، دلبستگی فراوان داشتند و همواره کشاورز و کشاورزان را می ستودند. جابه جایی هزاره ها به درون کوه پایه های هزاره نشین افزون بر غصب زمین‌های کشاورزی آنان، جستجوی چراگاه‌های جدید و مهاجرت دهقانی برای به دست آوردن و ساختن زمین بهتر برای کشاورزی بوده‌است. حفاری‌هایی که در حوالی جاغوری و اطراف بامیان انجام شده اند، نشان می‌دهند که هزاران سال پیش هزاره‌ها سامانه‌ی کشاورزی مانند امروز و یا کمی کهن تر داشته‌اند. نقاشی‌های غارهای بامیان، قره‌باغ، جاغوری نشان می دهند که در حدود سه هزار سال پیش هزاره‌ها درخت را اهلی کرده بودند و نشستن در سایه آن و برداشت محصول آن را به نیکویی می دانسته اند. بنابراین در آن زمان در هزارستان باغبانی و کشاورزی رواج داشته است. در نقاشی غارهای مناطق مختلف هزارستان درختان از نظر قد مساوی و روی خطوط موازی کشت شده اند و با چرخ چاه‌های عظیمی که به وسیله گاو چرخانده می‌شدند، آبیاری می‌شده اند. از میوه‌های مهم آن دوره که در نقاشی ها آمده اند: انگور، سیب، زردالو را می‌توان نام برد.

شیران بامیان و حاکمان محلی غرجستان به بازسازی قنات‌ها و تشویق و گسترش کشاورزی، باغبانی و دامپروری علاقه یی زیادی داشته اند. کشت انواع میوه مانند سیب، انگور، انار، هلو، فندق، سنجد، بادام، توت، گلابی، زردآلو، گردو، شاه بلوط و نیز انواع سبزی و گل مانند تره تیزک، تره، گشنیز، خیار، نرگس، یاسمن، نسترن، لاله، بنفشه، همیشه بهار، گل سرخ و گل شب بو در آن روزگار رواج داشته اند.

در دوره‌های اسلامی باغبانی هزارستان به حداکثر گسترش خود رسید و برای نخستین بار پرورش انار و مرکبات به طور جدی و صنعتی در اطراف رودخانه‌ی هیرمند و ارغنداب آغاز گردید. در این دوره برخی از انواع سبزی مثل مارچوبه و حبوبات- دانه جات و سبزی‌های تره‌کاری مانند شلغم و زردک و مانند آن به مقدار فراوان در غرجستان زراعت می‌شدند. در اثر یورش مغول‌ها، باغبانی درغرجستان و هزارستان کنونی از رونق افتاد و وضع بدین منوال بود تا آنکه شاهان چوپانی یا چوپان شاهان- شاهان ارغونیه ی هزاره در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری به توسعه کشاورزی در دی چوپان و دیگر مناطق هزارستان پرداخت. در قلمرو شاهان چوپانی انواع درختان میوه و سبزی‌ها در تمام نقاط هزارستان کشت می‌شدند و باغبانی آن قدر رونق داشت که از ارغنداب انواع میوه به ویژه انار به هندوستان، ایران، آسیایی میانه و آسیای صغیر می بردند. در این دوره و پس از آن مرکز تولید برگه زردآلو هزارستان بود و غرجستان ناحیه با ارزشی برای پرورش انواع میوه به شمار می‌آمد. هزاره‌ها نگهداری بذرها، غلات و این‌که کدام درخت و گیاه از بذر می‌روید و کدام باید به صورت نهال کاشته شود و هم‌چنین خواص انگور و دیگر درختان میوه‌دار و بی‌ثمر، انواع گیاهان تزئینی را به درستی می‌دانستند و آن‌ها را به نیکویی به کار می‌بردند. هزاره‌ها می‌دانستند که رویش هر گیاهی به فصلی اختصاص دارد. آنان در قلمه زدن، پیوند زدن انواع درختان ثمردار و بی بهره و نیز بذرافشانی، نهال‌کاری و غرس درختان تبهر داشتند. هزاره‌ها در این دوره کود حیوانی و انسانی را صنعتی کرده بودند و با افزودن مقدار خاکستر، خاک سیاه و خاک آهن آن‌ها را غنی سازی می‌کردند. دستگاه‌هایی برای بهره برداری از آب تهیه دیده بودند که از آن جمله می‌توان چرخ چاه خودکار را نام برد. داشتن اسپ، یابو و الاغ و ترویج نباتات سودمند نشان از کاربرد آن‌ها در کشاورزی داشته است. (تاریخ شاهان ارغونیه- چوپانیان)

کشاورزی در هزارستان

با وجود این‌که خاک هزاره‌ها وسیع است، رویهم‌رفته زمین‌های آنان امروز برای کشاورزی در ابعاد بزرگ مناسب نیست. تنها ۱۲٪ از مساحت خاک هزارستان تحت عملیات کشاورزی است. بقیه کوه و دره‌های عمیق و ناگذراند. زمین‌های با ظرفیت کشت و زرع بسیار کم است درحالی‌که در گذشته بسیار وسیع و با ظرفیت بالایی بوده است.

درهزارستان هم زمین‌های نیاز به آبیاری و هم زمین‌های باران- سیر، دیمی وجود دارد.

با این که بیش از دو سوم جمعیت هزاره‌ها در این بخش مشغول به کارانـد ولی این بخش تنها ۵٪ از سود خالص هزارها را به خود اختصاص داده است.

کشاورزی سنتی

در کشاورزی سنتی هزارگی، فعالیت کشاورزی از قبیل زراعت، باغداری و دام پروری و... برای دهقان هزاره، کار او و نوع زندگی او محسوب می‌شوند. در مناطق هزاره نشین، کشاورزی سنتی (کشاورزی معیشتی) فعالیت کشاورزی به شکل سنتی وجود دارد. در این گونه‌ای از کشاورزی نیروی کار مهم‌ترین عامل در افزایش تولید است و این یکی از دلایل وجود خانوارهای پر جمعیت در مناطق هزاره نشین است. کشاورزی در هزارستان با وجود نیروی کار فراوان و کار یدی بهره وری پایین دارد. درهزارستان حدود ۳۰ تا ۴۰ در صد از مردم به کارهای کشاورزی از نوع سنتی آن مشغول اند. از شروع فصل کاشت و آماده سازی زمین تا فصل برداشت محصول، همه کارها به شکلی سنتی و آمیخته با دستگاه‌های قدیمی انجام می‌شود.

کشاورزی مدرن کمتر به آن‌جا راه برده است. کشاورزیی که شامل طیف وسیعی از تخصص‌ها و فنون، از جمله راه‌هایی برای

گسترش زمین‌های مناسب برای زراعت گیاه، حفر کانال‌ها و فرم‌های مختلف آبیاری شود، برای هزارها به سبب رنج تاریخی، ستم ملی، استبداد داخلی و استعمار خارجی به ویژه تعصب عریان قومی شناخته شده نیست.

ویژگی‌های کشاورزی سنتی

کشاورزی سنتی(معیشتی)، کم بودن بهره وری، کاربر، سخت و یدی بودن، کم بود سرمایه گذاری، کوچک بودن اراضی کشاورزی، اعتبارات خرد در کشاورزی سنتی از ویژگی این گونه کشاورزی است.

ابزار کشاورزی سنتی

ابزار کشاورزی سنتی

کشف ابزارهای اولیه‌ی کشاورزی ساخته شده از چوب، استخوان، سنگ و سرانجام ترکیبی از چوب و آهن نشان می‌دهند که هزاره‌ها در گذشته چگونه کشاورزی می‌کرده‌اند. علامت گذاری و نگاره گری درون غارها از هزاران سال پیش در بامیان و دیگر مناطق هزارستان نشان از رونق کشاورزی سنتی در هزارستان دارد. کشاورزی سنتی درهزارستان در طول سالیان و هزاره ای گذشته با اندکی تغییر تقریباً به همان شکل انجام می‌شود و تغییرات بزرگی در ماهیت آن رخ نداده است. در مناطق هزاره نشین از شروع فصل کاشت و آماده سازی زمین تا فصل برداشت محصول، همه کارها به شکلی سنتی و آمیخته با دستگاه‌های قدیمی انجام می‌شود.

ابزارهای کشاورزی که درهزارستان به کار می‌رفت و می‌رود شامل انواع ابزارهای دستی ساده مانند بیل، کج بیل، رش بیل، داس دسته کوتاه، کلنگ، چپچور، دامی چوبی از قبیل قلبه گاو، یوغ، ییغ و اسپار، هرس‌های دندانه ای، خرمن کوب و مانند آن‌ها اند. ابزارهای کشاورزی معمول امروزی در نقاط مختلف هزارستان به ویژه در نقاط دورافتاده تغییر زیادی نکرده اند و با ابزارهای قدیمی فرق چندانی ندارند. هنوز در اکثر نقاط دور افتاده‌ی هزارستان از یک یا دو جفت گاو یا الاغ به عنوان توان کششی با یوغ و اسپار که اکثرا از چوب ساخته شده اند، استفاده می گردد.

بیل

هزارها دونوع بیل دارند، یکی را تک بیل و دیگری را رش یا راش بیل می گویند. تک بیل ساخت آهنگران محلی است. دسته‌ی آن از چوب و کاسه‌ی آهنی آن به صورت استوار بدون خم خوردگی ساخته می‌شود. پشت سر کاسه‌ی بیل، بازوی چوبی وجود دارد که از وسط آن سوراخ است و با فانه‌های چوبی به دسته‌ی بیل، محکم می‌شود. این شانه در وقت تک بیل کردن زمین به کارگر کمک می کند که زمین را عمیق‌تر بیل بزند.

راش بیل‌ها ساخت کشورهای خارجی است. کاسه‌ی راش بیل خم است و شانه‌ی خمیده دارد. نوعی از راش بیل که به آن بیل چینایی می گویند، بسیارمعمول و معروف است.

چپچور

چپچور ابزار راحت و دم‌دست است که از کلنگ کمی کوچک‌تر است. این وسیله‌ی ساده توسط آهنگران محلی ساخته می‌شود. دسته‌ی آن بیشتر از چوب بادام یا تاخوم است که با شینیه‌ی آهنی یا چوبی به چپچور وصل می‌شود. شینیه در محکم کردن دسته

نقش اصلی را دارد. برای این کار چیچور را بـا دسته نخست در آب می‌گذارند و در پایان با چکوش یا الغه می‌کوبند که سفت شود.

اسپار

اسپار چند قسمت دارد. نوك اسپار: که مردم به آن پلك می‌گویند از آهن فولاد است که در زمین فرو می‌رود. ته آن پهن است و به کنده‌ی اسپار محکم می‌شود.

کنده اسپار

از چوب محکم است ماهی مانند که در پشت‌سر خود سوراخی مربع شکل دارد که دسته یا تیر اسپار به آن وصل می‌شود.

شمشیرک

درکنار دسته برای استحکام آن جاگاشته می‌شود. این چوب یک راس نوك‌تیز و یک قاعده‌ی پهن دارد که راس نوکدار آن از تیرچوب می‌گذرد و آن را محکم می‌کند. شمشیرك باعث تعادل اسپارهنگام کار می‌گردد.

تیراسپار

چوب انحنایی شکل است که یك طرف آن به کنده و شمشیرك طرف دیگر آن برای استوار نگهداشتن اسپارتوسط گوشك و ریسمان و اتنگ به یوغ وصل می‌شود.

گوشک اسپار

چوب استوانه‌ی شکل است که در سوراخ نوك تیر جاگذاشته می‌شود. گوشك چوب است که اسپار را به یوغ وصل می‌کند.

یوغ

چوب بند است که گاوان را با آن تحت فرمان می‌آورند. وسط یوغ که آن یوغله گفته می‌شود، ثابت است. یوغله محل تلاقی یوغ و تیراسپار است که با ریسمان و اتنگ به‌هم وصل می‌شوند. دو طرف دیگر یوغ مانند کپ چوی در باز و بسته می‌شوند که به آن قبتل یوغ می‌گویند. گاوان نخست وارد در یوغ می‌شوند و سپس با چوب‌بند یوغ به بند کشیده می‌شوند تا نافرمانی نکنند.

آتنگ یا ریسمان

آتنگ ریسمان است که تیر اسپار را به یوغ وصل می‌کند و آن را می‌بندد. در گذشته آتنگ را از چوب الترغینه، لوخ و پوست گاو می‌ساختند. اکنون بیشتر از ریسمان پلاستیکی و ریسمان تایری است

ماله

ماله قطعه چوب مستطیل شکل است که در وسط سوراخ مربع شکل دارد. تیرماله درون این سوراخ مربع شکل با شینیه و پانه محکم

می‌شود. تیرماله مانند تیر اسپار است که ماله را به یوغ وصل می کند. ماله دو سوراخ در دو گوش دارد که با زنجیر به تیرماله وصل می‌شود. در پایان شخم زدن دهقان اسپار را از گاوان جدا می کند و ماله را به جای آن می بندد. ماله کردن شبیه اسپار زدن است با این تفاوت که به جای لر زدن زمین را ماله می کند و هموار می سازد تا برای ورغ و جر آماده شود. دهقان هنگام ماله زدن روی ماله سوار می‌شود، دم یکی از گاوها را به دست می گیرد و با تال آن‌ها را به تندی می‌راند تا زمین خوب هموار شود.

خوشکش، پل کش، آله کش

ورغ و پلوان کشی را نخست با اسپار ورغ و کندلو می کشند، سپس با بیل پلوان درست می کنند. برای پلوان‌ها دهن ورغی می‌سازند. در پایان با خوشکش آله درست می کنند.

پل کش

از چوب درست می‌شود. دسته‌ی پلکش مانند بیل درست می‌شود و بدنه‌ی آن مانند خوشکش که قطعه چوب است مستطل شکل که در وسط آن سوراخی ساخته میشود. دسته با شینیه و پانه از این طریق به بدنه وصل می‌شود. پل کش بیشتر برای زمین‌های شیلاوه و پتی استفاده می‌شود که امکان ماله با گاو نباشد.

خوشکش

همان آله کش است. دسته‌ی آن از چوب است و بدنه‌ی آن از چوب و گاهی آهن که مانند نوک مرغابی ساخته می‌شود. با خوشکش خط‌های موازی(جر– آله) روی زمین ماله شده می کشند. آب در این آله‌ها جریان میابد و به ریشه‌ی گیاهان می‌رسد.

شدیار

به زمین شخم زده شده شدیار گفته می‌شود. زمین شدیار دارای پستی و بلندی(کلوخ) است. برای از بین بردن کلوخ‌های آن باید ماله روی آن کشیده شود. ماله کردن باعث می‌شود که زمین هموار گردد، دانه‌ها در خاک فرو رود، پرندگان نخورد و زمین هم‌سطح شود.

کیشه

پس از ماله کشیدن زمین، دهقان اسپار را دوباره به گاوها می‌بندد و زمین را به شیخکی و کندلو تقسیم می کند تا ورغ و کندلو ساخته شود و زمین ورغ جر شود. دهقانان این کار را کیشه(جراندازی) می گویند. برای این کار نخست دهقان با چبچور زمین را خط می کشد. سپس یک نفر زنجیر یکی از گاوها را به دست می گیرد و دهقان با هی کردن گاوان اسپار را درست روی خط کشی فرو می‌برد و ورغ، کندلو و شیخکی درست می کند. ورغ‌ها می‌تواند کندلو یا شیخکی باشد.

(جدید ۱۷)

زمین کشاورزی

زمین شیلاوه

زمین است که بیشتر در مسیر آب‌راه‌ها قرار دارد که به آن زمین قول و بوم هم گفته می‌شود. شیلاوه‌ها بیشتر در معرض فرسایش و سیل بردگی است. این زمین کم حاصل است اما برای درختکاری و باغداری نیکو است.

زمین شیبدار

زمین ناهموار را پتی می‌سازند. پتی سنگ‌چین است که به صورت زینه های کلان ساخته می‌شود تا زمین هموار گردد. قلبه کردن پتی سخت‌تر از زمین شیلاوه است. برای این کار به دهقان ماهر و گاوهای کارآزموده نیاز است. از این‌رو گوشه‌های پتی که پخته می‌ماند را توسط چپچور می‌کنند. پتی را با پل کش ماله می‌کنند و گوشه‌های آن را بلند تر می‌سازند تا از سرریزی آب جلوگیری شود و آب پشت آن بایستد. پتی را کمی شیبدار می‌سازند تا آب به آرامی درآن حرکت کند. مردم محل به این پتی کرت و کردك یا کرتك نیز می‌گویند.

فرآیند تولید

قلبه کردن(شخم زدن)

هزاره‌ها شخم زدن خاك را برای آماده سازی کاشت و یا برای اختلاط مواد مغذی و یا برای کنترل آفات انجام می‌دهند. بهره وری با افزودن کود حیوانی یا شیمیایی و کنترل علف‌های هرز افزایش می‌یابد. در فرایند تولید زمین ها نخست از سنگ ریزه‌ها پاکسازی می‌شوند. پس از آن ورغ و جر می‌شوند تا آب به تناسب در سطح زمین جریان یابد. از آن پس آب از طریق جوی‌چه‌ها به زمین رسانده می‌شود. وقتی زمین آب خورد، چند روز صبر می کنند تا زمین آماده‌ی شخم زدن شود. وقتی زمین آماده شد و آبش گرفته شد، زمین بذرافشانی می‌شود. دهقان نخست زمین را با نوك چپچور یا کلنگ خط کشی می‌کند و سپس دانه را در دامن یا ظرف می‌اندازد و با دست چپ بذر افشانی می‌کند. زمین‌های تخم زده شده توسط گاو آهن(قلبه) شخم زده می‌شود. دهقان اسپار را با آتنگ به یوغ می‌بندد و یوغ را در گردن گاوان بند می‌زند. گاوها را به گوشه‌ی زمین می‌برد و با صدای کشیده می‌گوید(اوبیه) و گاوان را با چوب‌تر به داخل زمین می‌راند و زمین را شیار مانند(لر) قلبه می‌کند. وقتی یک خط کشیده‌ی قلبه به پایان رسید، دهقان کنده‌ی اسپار را با چالاکی از زمین می‌کشد و با صدای (اوبیه) همرا با فحش و ناسزا به گاوها، گاوان را می‌چرخاند و دوباره زمین را لر می‌زند. لرها باید در کنارهم باشد و نزدیک به هم تا زمین پخته نماند. اوبیه، او، اوهه، کوتابیه صدای رمزی است بین گاوها و دهقان. گاوان با شنیدن این رمزها سمت عوض می‌کنند و از دهقان فرمان می‌برند. وقتی زمین یک‌بار به صورت طولی قلبه شد، دهقان آن را به صورت عرضی قلبه می‌کند که به آن(دو اسپیره، سرحلال، سرجم حلال) می‌گویند. این کار باعث می‌شود که زمین خوب شیار شود و بهره‌ی بهتر بدهد. دهقان هفت تا نه ساعت در روز قلبه می‌کند. در وسط روز چای می‌خورد و به گاوها علف تر و تازه می‌دهد. در پایان با دست یا گاو زمین را ماله می‌کند و چند روز صبر می‌کند تا زمین آماده‌ی ورغ و جر شود. در فرجام زمین ورغ و جر می‌شود.

چپچورکو

وقتی گاو و الاغ برای زمین شخم زدن پیدا نشود و یا زمین کوچك باشد که نیاز که گاو قلبی نباشد، زمین را چپچورکو می‌کنند. برای این کار چند مرد و گاهی همراه با زنان، زمین را با چپچور شخم می‌زنند و با ماله‌ی دستی ماله می‌کنند. چپچورکو بیشتر به صورت جمعی(آشار) انجام می‌شود.

ورغ و جر

ورغ یا کندلو به صورت برآمدگی‌های کرت(پلوان) ساخته می‌شود. عمق ورغ بیشتر از جر است. آب نخست وارد ورغ یا کندلو می‌شود و سپس از طریق دان آله (ناودان) که بیشتر با علف‌های هرز ساخته می‌شود، وارد جر می‌شود. جر یا آله خط‌های موازی است که روی زمین کشاورزی شیار می‌شود و آب برای رسیدن به ریشه‌های گیاهان به آرامی در آن جریان می‌یابد. پای زمین را بر آمده درست می‌کنند که آب در آن بایستد و یا به سمتی هدایت شود. این جای را پای اله یا پای آو می‌گویند.

آب دادن

نخستین آب دادن زمین کشاورزی را خک آو(خاک آب) می‌گویند که بسیار سخت است و مهارت بالایی می‌خواهد. وقتی آب مسیرش را پیدا کرد و زمین سفت شد، آسان‌تر می‌شود. آب دادن زمین به نوبت است. در زمین‌های گل هفت روز و زمین‌های ریگزار سه تا چهار روز بعد آبیاری می‌شوند.

غنی سازی زمین

کشاورزی در هزارستان همواره با کود حیوانی همراه بوده است. در کشاورزی سنتی هزاره‌ها یکی از راه‌های تهیه کود، استفاده ازکود حیوانی (انبار) است. کودهای حیوانی جزو بهترین و مرغوب ترین نوع کود است که امروزه کمتر استفاده می‌شود. هزاره‌ها تجربه های با ارزش و گران‌بهایی در زمینه غنی سازی زمین‌های کشاورزی دارند.

پوجی کردن(چیدن گیاهان هرز)

گیاهان هرز و کم قوت بودن زمین که بین زمین‌های کشاورزی می‌رویند، باید چیده شوند. زنان هزاره به صورت تکی یا جمعی(آشار) این کار را انجام می‌دهند. پوجی کردن از کارهای سخت زمین داری است که گاهی یک‌ماه وقت پوجی گران را می‌گیرد. زمین کشاورزی اگر از گیاه هرز پوجی نشود، حاصل نمی‌دهد.

روش‌های شیمیایی (حشره کش)، بیولوژیکی (کنترل بیولوژیکی)، مکانیکی (کشت)، و روش‌های فرهنگی صنعتی استفاده‌ی کمی دارد. روش‌های فرهنگی شامل تناوب کشت، وجین، پوشش محصولات زراعی، به زراعی، کمپوست، پیشگیری و مقاومت چندان استفاده ندارد.

آبیاری

آبیاری

آبیاری پخش آب روی زمین جهت نفوذ در خاک برای استفاده گیاه و تولید محصول است. ۱۵ درصد از زمین‌های کشاورزی هزارستان دیم و بدون آبیاری است و ۸۵ درصد بقیه به صورت عادی با کانال‌ها و جویچه‌ها آبیاری می‌شوند. نیمی از تولیدات کشاورزی و غذای خانگی هزاره‌ها از همین زمین‌های آبی حاصل می‌شود که این خود نشان دهنده‌ی اهمیت و نقش آبیاری در بخش کشاورزی درهزارستان است.

منابع آب آبیاری

۱- بارش‌های آسمانی شامل برف و باران.

۲- آب‌های سطحی شامل رودخانه‌ها، سدها، مخازن آب شامل بند، آب‌بند و ناوور، زیم آب‌ها، رودخانه، برکه‌های آب شیرین، و یخچال‌های طبیعی است.

۳- آب‌های زیرزمینی شامل چاه،کاریز یا قنات و چشمه.

آبیاری سطحی

آب از جلگه یا دره‌های پرآب و نهر از طریق جوی‌چه‌ها در سطح زمین کشاوزی جریان می‌یابد و پس از گذر از کندلو(ورغ) از طریق(دان آله) وارد جرها- آله می‌شود. با نفوذ تدریجی در زمین کشت شده در اختیار ریشه‌ی گیاه قرارمی گیرد. آبیاری سطحی به سه روش آبیاری کرتی(کرته‌های کوچک)، آبیاری نواری(ورغ و جر) و آبیاری شیاری(جر) انجام می‌شود.

شاجوی، جوی

آب برای آبیاری بیشتر از طریق جویچه‌ها به زمین کشاورزی رسانده می شود. جویچه‌ها بیشتر مال زمین‌های شخصی، چند شریک و زمین‌های کم ارض است. اما آب‌های مشترك و فراوان را بیشتر از طریق شاه جوی انتقال می دهند. جوی‌ها و شاه جوی‌ها به صورت آشار درآغاز فصل بهار زه‌کشی می‌شوند. عمق و پهنای شاه جوی‌ها بیشتر از جوی است. دهقانان با بیل، کلنگ و چپچور آب‌ها را کانال کشی می‌کنند و از طریق جوی و شاه جوی به زمین‌های کشاورزی می‌رسانند.

ناوور- نوور- آوبند(آب‌بند، سد کوچک)

نوور یا آوج آب‌بندهای کوچك است که با آن آب‌های روان و زیم آب‌ها را بند می کنند تا در موقع مناسب از آن استفاده شود. نوور از سنك و خاك ساخته می شود. استحکام آن خیلی بالا نیست، در مقابل آب زیاد و سیل آب‌ها آسیب پذیراست. خروجی نوور را بوك می گویند که با بوك چو(بوك چوب) بسته و باز می‌شود. اضافه‌ی آب از سرریزی به رودخانه و قول باز می گردد. دهقانان هزاره در بیشتر روستاها شب‌ها نوور را بوك می‌کنند و صبح باز می‌کنند تا در آبیاری زمین استفاده شود. وقتی آب فراوان باشد، نوورها دوبار در روز بند می‌شوند. اما وقتی فراوان‌تر باشد، کسی از نوور استفاده نمی‌کند. در این حالت آب جاری را آب بایتی می‌گویند. نوور می تواند شخصی باشد و می تواند مال چند خانه در یك روستا باشد که به نوبت از آن استفاده کنند. هزاره‌ها کمتر از سرخ آو(سرخ‌آب) که در نتیجه‌ی آب شدن برف و آبخیزی به وجود می‌آید، استفاده می‌کنند. آب جویچه‌ها و نوور بر سر زمین و مقدار آن تقسیم می‌گردد. زمین زیاد چند شب آب و زمین کم کمتر شب آب را به خود اختصاص می‌دهد. واحد تقسیم آب را شب آو(شب آب) می‌گویند.

انواع آبیاری

زمین آب

آب گرفتن روی زمین کشاورزی را می‌گویند. وقتی هنگام کشت و کار فرا می‌رسد، زمین را آب می‌گیرند تا برای تخم افشاندن

آماده شود. میانه‌ی ثور(اردی بهشت) یا میانه‌ی حمل(فروردین) برای کشت بهاری آب‌گیری می‌شود. برای کشت خزانی ماه سنبله و میزان مناسب اند. زمین‌های کمتر سرد به طورمعمول در اوایل ماه عقرب آب‌گیری می‌شوند.

خاک آو(خاک آب)

وقتی تخم افشانده شد، پس از یک‌ماه یا کمتر زمین را آب می‌دهند تا بیخ گیاه محکم شود، رشد گیاه تسریع گردد، باد صدمه‌ی به گیاه نزند و گیاه نمو کند و پنجه بزند. خاک آو غرق آب کردن زمین و خوب آب دادن آن است تا زمین پخته شود. سخت‌ترین کار در زمین‌داری نخستین خاک آو زمین کشاورزی است.

دوآو(دوآب)

دوآب پس از خاک آو داده می شود. دوآو باعث می‌شود تا گیاه رشد کند و ساقه‌ی آن بند بیندازد.

آو شیره گل

این آب باعث می شود تا خوشه‌ی گیاه کامل شود و صاف گردد.

آب گلریز

این آب باعث می شود تا گل خوشه‌ی گیاه صاف گردد و خوشه آماده شیره بستن و دانه شدن شود

آب دانه

این آب باعث می شود تا خوشه‌ی گیاه پر گردد و تبدیل به دانه شود. زمان این آب هنگام تکمیل شدن دانه و به زردی گراییدن آن است. اگر آب دانه به گیاه نرسد، دانه‌ها میان تهی و کم وزن می‌آیند. آب دانه برای رسیدن و کمال دانه بسیار حیاتی است.

برداشت محصول

درو کردن

برای دروی محصول (داس ")و تعدادی کارگر حرفه ای و آشنا به کار با این ابزار استفاده می شود که باید در کار خود مهارت زیاد و قدرت بدنی بالایی داشته باشند. البته برای دروی محصولاتی مانند گندم و جو و یونجه و هنوز هم از ابزار سنتی استفاده می‌شود. برای درو کردن گندم نخست دهقان به تنهایی درو می‌کند. وقتی گندم خوب رسید، خانواده وی نیز در درو گندم به وی کمک می‌کند. در پایان آشار می‌کند و گندم را پیش از جدا شدن دانه از خوشه به صورت طبیعی درو می‌کند. گاهی دهقان تا پاسی از شب یا در دل شب کار درو را انجام می‌دهد و گاهی در زیر آفتاب مطلق به درو مشغول می‌شود. اگر درو آشاری باشد، زمین به صورت ورغ و شیخلی بین آنان قسمت می‌گردد. هرکدام به صورت دایره‌وار قسمت خود را درو می‌کند و در پایان قسمت اول از قسمت جدید شروع می‌کند. هرکدام از این قسمت را رستم(خط) می‌گویند.

کویه

وقتی گنـدم و مانند آن درو شد آن را کویه می کنند. برای این کار نخست یک چوب به صورت افقی روی زمین قرار داده می‌شود. روی چوب از دو طرف دسته(قوده)های گندم را سر به سر می گذارند و آن را بالا می‌برند. وقتی به اندازه کافی رسید، دسته‌ها را از آخر کویه شیب دار می گذارند و به سر کویه ختم می کنند. وسط کویه برآمده درست می‌شود و دو طرف آآآن شیب‌دار تا از نفوذ باران جلوگیری شود. روی کویه چنـد چوب بزرگ و دراز انـداخته می‌شود تا باد آن را خراب نکند و با خود نبرد. دور کویه کانال کوچک کشیده می‌شود تا سیلابه در آن راه پیدا نکند.

خرمی‌جوی(خرمن جای)

زمین گرد و همـوار است تـا گنـدم در آن خرمن شود. برای این کـار نخست زمین را گرد به صورت دایره هموار می کنـد. پسـتی و بلنـدی آن را با ماله می گیرد. روی آن گل می‌انـدازد. با آب و کاه، کاه گل می کند. وقتی خشک شد، روی آن رمه را می‌چرخاند تا شکاف‌های آن پر شود. بعد با کدگاو آن را آشو(گل کردن) می کند تا سفت گردد و برای خرمن آماده شود.

پشتیره کشی(کل– پشت کردن گندم)

مرد دهقـان به صورت تکی یـا آشـار گنـدم را روی هیزم‌کش قرار می‌دهـد، ریسـمان را نخست از زیر پشتیره رد می کنـد، سـپس به کشک گره می زنـد و بعـد یک دور، دور پشتیره می‌پیچاند و به کشک می‌بندد. بازوبند هیزم‌کش را به کشک سـفت می‌بندد و به چوب کنـک بنـد می کنـد. در پایـان با پشت روی پشتیره می‌خوابـد و بازوبنـد را سـفت می کنـد. تی پشتی را جا می‌نهـد و مقـداری قوده‌ی گندم در زیر آن می گذارد. کسی از پشت، پشتیره آن را به جلو هل می‌دهد و مرد دهقان روی دو زانو بلند می‌شود و پشتیره را تا خرمن جای حمل می کنـد و برای گرد کردن روی خرمن جای قرار می‌دهـد. این پشتیره‌ها به صورت دایره گذاشـته می‌شوند و مردم به آن ایر می گوینـد. پشتیره‌ی گندم چون دانه دارد از تمام پشتیرها گرنگ(سـنگین)تر است. مردم دهقان را با سنگین برداشتن پشتیره محک می‌زننـد، پشتیره‌ی برخی از دهقانان تا هشت سیرهم برآورد شده است. هر سیر هفت کیلو است. دهقانان سـنگین بر، مورد احترام مردم قرار دارد. وی خود را از دیگران یک سرو گردن بالاتر می گیرد و خانواده اش به وی افتخار می کند.

ابزار پشتیره کشی

۱- داس: برای جدا کردن قوده از کویه

۲- هیزم‌کش: که در گذشته از الیاف گیاهان ساخته می‌شد و اکنون بیشتر نخی و پلاستیکی است.

۳- کشک: چوب سرکج است که در ابتدایی هیزم بند می شود وبا آن پشتیره(بار) گندم را بند می‌زند.

۴- چوب کنک: چوب کشـیده و بلند است که یک سـر آن تراشـیده است. سر دیگر آن کج است تا هیزم‌کش را به آن گره بزند و برای چاربندی و بارشدن آماده کند.

چپرکدو(خرمن کوب کردن)

در هزارسـتان هنگـام خرمن، از خرمن کوب‌هـایی اسـتفاده می‌شود که به آن چپر، چپـار(چاپـار) گفته می شود. این روزها به شـکل سنتی چپـار را به پشت تراکتور می‌بندنـد و کارش فقط خرد کردن گنـدم و به دست آوردن کاه است. باد دادن و جـدا کردن کاه و گندم به وسیله" چارشاخ "انجام می شود.

چپر

چپر را از درختچه‌های خاردار یا چاکه می‌سازند. برای این کار نخست با دستم غو(دستانه یا دستکش) و اره و تیشه درختچه را قطع می کنند. آن را به شکل مستطل روی هم قرار می دهند و شاخه‌های اضافی آن را به داخل خم می کنند. روی آن چند شاخه‌ی بزرگ که دوشاخه داشته باشند به صورت عمودی می بندد. در پایان روی آن سنگ قرار می‌دهند که مسطح شود.

خرمن کردن

دهقان از صبح زود گندم‌ها را به صورت دایره‌وار که داخل آن باز(گود-کود) است، روی خرمن‌جای پخش می کند که به آن پخل انداختن می گویند. وقتی همه چیز آماده شد، چپر را می آورد، تیر ماله را به آن می بندد. یوغ و آتنگ را آماده می کند. گاوها و یا الاغ ها را می آورد و به آن‌ها یوغ می‌بندد. در این کار گاو با تجربه را به درون گود یا کود قرار می دهد تا با مهارت چپر را بگرداند و از سرگردانی آن جلوگیری کند. به گاو داخل گود، گاو گول می گویند و به گاو حاشیه‌ی چپر، گاوجغه گفته می‌شود که معمولن جوان و بی تجربه یا کم‌زور است. برای این کار یک سر تیرماله را با کشک به وسیله‌ی آتنگ به یوغ می بندد و طرف دیگر را به دمی چپار محکم می کند. روی چپار ظرف می گذارد. دهن گاوها را با سبد(کودی) می‌بندد تا گندم را نخورد. با چوب(تال) به گاوان هی می کند و چپار را روی خرمن و گندم می‌چرخاند تا خرمن کوبیده شود و کاه از دانه جدا گردد. گاهی کودکان را نیز سوار چپر می کند که باعث خستگی گاوها می‌شود. وقتی گاوان با گاوران روی خرمن جای می‌چرخند، دیگران با چرشاخ(چارشاخ) از گرد خرمن جمع می کنند که کاه و دانه از خرمن به بیرون رانده نشوند. زمانی که یک ساعتی گاوان چرخیدند، دو نفر یکی از داخل خرمن و دیگری از بیرون با چرشاخ گندم را زیرو رو می کنند تا خوب خرد گردد. این عمل را دیگری(برگردان) می گویند. در پایان هر دور، وقتی گندم‌های زیرپا خرد شد، گندم‌های جدید به آن اضافه می کنند تا تمام شوند. وقتی گندم به تمامی خرد و پرکوی شد، گاوان را آن‌قدر روی پرکوی می‌چرخانند که خوب خرد شود و به مرحله‌ی جدایی دانه از گندم برسد. وقتی کاه از دانه جدا شد، یوغ ازگاوان برمی‌دارد و خرمن را ایر یا خاره(گرد) می کند. گندم خاره شده را با چرشاخ رو به باد، به باد می دهد تا دانه و کاه از هم جدا شود. بین خاره‌ی گندم یک چوب دراز می گذارد که فاصله‌ی باشد بین دانه و کاه. وقتی کاه و دانه جداشد، کاه را خاره می کند و گندم را گرد می‌سازد. دور خاره‌ی گندم با گوشه‌ی پارو خط دایره مانند می کشد و سپس با چند دایره آن را به نوک مخروطی خاره می‌رساند. دایره ها را عمودی خط (چاب) می کشند و روی آن قرآن و تونتی(خنجر) می گذارد که برکت داده شود. دهقان هنگام پس زدن دانه و جدا کردن گندم از کاه بسم الله می گویند و دستش را روی ریشش می کشد و صلوات می‌فرستد. در پایان سهم ملا، مسجدی و چوپان را جدا می کند و بقیه را پس از وزن کردن در جوال و گونی می‌ریزاند و به کندو حمل می کند. ته مانده‌ی گندم را با کنده ای چوبی(موغی) آونگ مانند می کوبند تا کافه از دانه جدا شود. این کار را کافه تب می گویند. کافه را باد می کشد و دانه را از کاه جدا می کند. کافه را برای گاو شیرده جدا می کند و دانه‌های سالم را به کندو می برد. دانه‌های پوچ و ناقص را برای مرغ و خروس جدا می‌سازد. کاه را به کادو(کاهدان) حمل می کند. در فرجام خرمن کردن، ذکات خرمن را به فقیران می‌رساند.

پلغو

دهقان کم زمین دو راس گاو قولبی نمی‌تواند داشته باشد، لذا در هنگام قلبه کردن و خرمن کوبی گاوش را با دیگری به صورت توافقی جوره می کند تا به کمک هم به کارهای دهقانی شان پایان دهند. جوره کردن گاو و الاغ را پلغو می گویند که صورت

توافقی دارد.

جغول کدو(جغل)

وقتی خرمن کم باشد و نیاز به خرمن کوبی نباشد، خرمن را جغول می‌کند. برای این کار یک گاو را به صورت دایره‌وار روی خرمن می‌چرخاند و خرمن را خرد(میده) می‌کند. گاهی از دوگاو استفاده می‌شود. در این کار نیازی به دوگاو، یوغ وآتنگ و چپر نیست. در هنگام جغل یکی از چهار طرف کافه دانه‌های جدا نشده را زیرپای گاوها می‌اندازد تا میده شود و دانه‌ی آن از کاه جدا گردد.

قوده کو

وقتی هنوز زمان خرمن کوبی نرسیده باشد و یا گندم آن‌قدر کم باشد که نیازی به خرمن کوبی نباشد، گندم را قوده کوی می‌کند. برای این کار قوده‌های گندم را روی زمین قرار می‌دهد و با چوب(آونگ- موغی) دانه‌ها را از کاه جدا می‌کند.

باد قبله

بادی که مناسب خرمن کردن است و معمولن از سمت قبله می‌وزد. این باد باعث می‌شود که با چرشاخ کردن خاره، دانه از گندم جدا شود. این باد، همان باد موافق خرمن است که به آن باد راست و باد بالا هم گفته می‌شود. باد قبله درهزارستان بیشتر از سمت جنوب غرب در ماه سنبله و اول خزان می وزد. این باد بیشترساعت یک بعد از ظهر شروع به وزیدن می‌کند که به آن برکت می‌گویند.

باد چپ

این باد جهت عکس خاره است و برای چارشاخ کردن مناسب نیست. وقتی این باد می‌وزد نمی‌شود چرشاخ کرد، چون کاه را با دانه یکی می‌کند. این باد از سمت شمال شرق و جنوب شرق در دوران ماه سنبله و خزان می وزدکه به آن باد شیوه و باد پایین نیز گفته می‌شود. این باد بیشتر پیش از ظهر شروع به وزیدن می‌کند که به آن برکت چپ می‌گویند.

سرد کردن

کاه باد کردن را سرد کردن می‌گویند. هنگامی که باد قبله وزیدن گرفت دو نفر و گاهی یک نفر کاه را رو به بالا پرتاب می‌کنند تا کاه را باد ببرد و دانه از کاه جدا شود. وقتی دانه روی زمین خرمن جای و روی دانه‌های دیگر قرار گرفت، یکی با جارو(جاروی شیریلجی) کافه و چوب‌های گندم را به گوشه‌ای دیگر جارو می‌کند تا دانه پاك شود. این کار را جاروله می‌گویند. آخر خرمن جای را با شاخه های درختچه یا علف بند می‌زنند و یا چادر می‌گیرند تا کاه از خرمن جای خارج نشود.

سرخ باد

وقتی دانه از کاه جدا شد، آن را با پارو باد می‌کنند تا دانه از چوب‌های اضافی، ساقه‌های علف هرز و بند گندم جدا شود. این موادهای جدا شده را کافه می‌گویند که در پایان با موغی (دسته چوب) کوبیده می‌شود و دانه ی گندم از آن جدا می‌گردد. اگر

کـافه زیـاد باشـد با پای گاو تکی خرد و میـده می‌شود. کافه در کار دهقانی مال دهقان است. هنگام خرمن باد کردن اگر کسـی بر خرمن وارد شود با صـدای بلنـد می گویـد برکت برکت. با این حرف از خداوند برای خرمن برکت و برای خانواده و صاحب خرمن سلامتی می‌خواهد.

چرخک

از سـاقه‌ی درختچه‌ی راف و گنـدلی چرخـك درست می کننـد. چرخـك می‌چرخـد و ورود بـاد را خبر می‌دهـد. دهقـان بـا دیـدن چرخك شروع به چرشاخ می کند و با بند آمدن باد، دست از باد کردن می کشد. چرخك در طرف قبله رو به باد گذاشته می‌شود.

چغل کردن

چغـل نـوع الـك بزرگ است بـا سوراخ‌هـای بزرگ که پس از سـرخ بـاد به کـار گرفته می‌شود. برای این کـار دهقـان پـایش را به انـدازه‌ی بـازو دور از هم می گـذارد و دانه‌هـای سـرخ بـاد شـده را در داخـل چغـل راست و چپ می‌چرخانـد تا دانه ها الك شود و کافه‌ی آن جدا گردد. این کار معمولن در مسیر باد قبله انجام می‌شود.

ابزار جدا سازی کاه از دانه

چارشاخ

چارشاخ مانند سـنگ کش یا جغل کش ساخته می‌شود که در قسمت بدنه‌ی آن چهارشاخ وجود دارد. این شاخ‌ها با چرم سرگاو به تنه اصلی سفت بند زده می‌شود. دسته‌ی آن چوب باریك و محکم است که با چرم سرگاو به تنه محکم بسته می‌شود.

پارو

همان پاروی معمولی است. این روزها پاروی پلاستیکی هم رواج یافته است.

چغل

همان الك بزرگ است.

موغی

چوب نیم متری است که دسته‌ی آن نازك و بدنه‌ی آن کلفت ساخته می‌شود.

جارو یا جاروپ

بیشتر جاروهای گندم پاك کنی از گیاهی به نام شیریلجی ساخته می‌شود. این جارو جان دارتر است و دوام بیشتر دارد.

میده ریز

همان الك است.

کشت و کار

برای آماده سازی زمین جهت کاشت محصول از " گاو قلبه‌ی(خیش ")و" یغ- یوغ و اسپار "استفاده می‌شود. با کارهای برجسته و تلاش‌های سازنده مردم هزاره از گذشته تا اکنون و به ویژه کشتکاری و بازرگانی و رفاه نسبی خانواده‌ها و نیز گرایش دادن حاکمان مردمی و بزرگان قومی مردم را به کشتکاری، بیکاری در مناطق هزاره نشین بسیار کم بوده است. در هزارستان هرکس پیشه و هنری نداشت به کشاورزی می‌پرداخت و برزی گری پیشه ی آزادمردان به شمار می‌رفت. گدا و گدایی میان مردم هزاره بی معنا بود. آموزش‌های پدران و نیاکان هزاره و باورهای دینی و اخلاقی آنان در باره‌ی آبادانی و کشتکاری، سرمشق فرزندان آن‌ها بوده است. آنان کشاورزی را از کارهای نیک و خدایی می دانستند. پندپیران و ضرب المثل‌های هزارگی درباره آباد کردن زمین و آبیاری آن، درخت‌کاری، گله داری و پرورش جانوران- حیوانات و گیاهان سودمند چه دارویی و چه غذایی، گواه بر این باور است.

محصولات کشاورزی

محصولات کشاورزی هزارها عبارت اند از ذرت- جواری، گندم، جو، ارزن، نخود، شرشم، موشنگ، باقلی، دال، عدس، شلغم، زردك، پیاز، انواع سبزی‌ها، شبدر، یونجه- ریشقه و مانند آن که بسیار ابتدایی کشت می شوند.

سرخرمنی(نذر خرمن)

سرخرمنی بستگی به اندازه‌ی خرمن دارد. اگر خرمن زیاد شود گوسپند(صوبی)، اگر کمتر شود ولی قابل توجه باشد بز(چپوش) و اگر کم باشد مرغ و خروس می‌کشند. گاهی نان پتیر روغنی- پتیرمال روی خرمن می‌شکنند و بین مردم قسمت می‌کنند و به فقیران می‌دهند. نان پتیر خرمنی روغنی یا شیرمال مخصوص دهقان است و مالك زمین حیوان می‌کشد. وقتی خرمن گرفته شد، حیوان نذری را ذبح می‌کنند و اهالی قریه و ده را دعوت به مهمانی نذری می‌کنند. زمانی که غذا خورده شد، بزرگ ده یا آخند محل دعا می‌خواند و از خداوند برای ده و خرمن صاحب خانه برکت از درگاه خداوندی می‌خواهند و دیگران آمین می گویند.

خرمن گرفتن

دهقان وقتی نان پتیرروغنی خرمنی را که در تنور یا زیر دیگی پزیده است را با کارد نصف می‌کند، شروع به گرفتن خرمن می‌کند. برای این کار نخست یک قطعه سنگ بزرگ را در سمت قبله‌ی خرمن می‌گذارد که به آن سنگ بابای آدم می‌گویند. این کار را به این سبب انجام می‌دهد که به دعای حضرت آدم صفی الله به خرمن برکت داده شود. کارد یا پیش قبض را به یاد و نام مولا علی (ع) به دست می‌گیرد که با یاد و نام آن بزرگوار برکت به خرمن داده شود. در پایان دهقان دامن را درون شلوار(تنبان) می‌کند و بسم الله و صلوات گویان شروع به گرفتن و وزن کردن گندم می‌کند.

آشار

آشارنوعی همیاری کار کشاورزی در بین هزاره‌ها است که در انطباق با شرایط طبیعی منطقی ترین همیاری تولیدی اکثر روستاهای هزارستان به شمار می‌رود. آشار بهترین تعاونی روستایی در هزارستان است که هنوز با وجود مادی شدن زندگی به صورت همیاری پا برجاست. آشار به خاطر نیاز به کار و نیروی انسانی برای درو، آبیاری، کشت وکار، خیش کشیدن(قلبه) جوی کر(زه

کشی) وجین کردن علف‌های هرز یک اصل ضروری در کشاورزی هزارگی به شمار می‌رود. در صورت کمبود آب یا دشواری آبرسانی به کشتزار و کمبود نیروی شخم به عنوان عامل مدیریت کار و یا پاره ای عوامل مجهول اجتماعی از طریق سنت دیرپا تداوم یافته است. آشارنوعی یاریگری است که تنها ناشی از عوامل مادی و اقتصادی زندگی نیست، بلکه انگیزه‌های عاطفی و انسانی هم در آن دخیل اند. چون: گریز از تنهایی، خستگی و دلزدگی‌های ناشی از کار فردی و یکنواخت؛ دستیابی به احساس امنیت حاصل از پذیرش در گروه و پرداختن به کار شادی آفرین و دل انگیز گروهی؛ تحکیم روابط دوستی، همسایگی، خویشاوندی، و بالاخره، دلپذیر کردن سختی‌ها و مشکلات زندگی علت اصلی آشار در فرهنگ کشاورزی هزارگی است.(فرهادی ص ۶).

الله دوست

در آشار مردان به صورت جمعی و گاهی تکی آواز می‌خوانند. این آواز گاهی دوبیتی و گاهی ترانه است. دوبیتی دوبیتی‌وار خوانده می‌شود و ترانه به صورت ترانه. نوعی از ترانه که به آن الله دوست می گویند، در آشارها رواج ویژه دارد که نوع ترانه‌ی کاربه شمار می‌رود. این ترانه نشان از دینداری و محبت مردم هزاره به امام علی(ع) است. این ترانه چنین شروع می‌شود:

الله دوست و مولا دوست/ دوست علی دوست و مولا دوست

علی والله دوست و الله دوست/ علی الله دوست و الله یار

علی دوست و الله یار

الله دوست و الله یار

وقتی چای ده بچه شده/ الله دوست و علی یار

وقتی آو اسپی شده/ الله دوست و علی یار

وقتی نان بوته شده/ الله دوست و علی یار

گاهی در این ترانه از نوع کار یاد می‌شود و در آن از صاحب کار خواسته می‌شود که برای

آنان فرصتی نفس کشیدن(دمرسی) بدهد.

گندم درو مونوم/الله دوست و علی یار

ایشیرقه(یونجه) درو مونوم/الله دوست و علی یار

تاله درو مونوم/الله دوست و علی یار

جوی پاک مونوم/الله دوست و علی یار

بیده کنی مونوم/الله دوست و علی یار

غیغو کنی مونوم/الله دوست و علی یار

قلغو کنی مونوم/الله دوست و علی یار

کمی کنی مونوم/الله دوست و علی یار

بیده راش کنی مونوم/الله دوست و علی یار

بیده بودیگگ کنی مونوم/ الله دوست و علی یار

بیده راف کنی مونوم/الله دوست و علی یار

پخسه زنی مونوم/ الله دوست و علی یار

الله دوست و علی یار

الله یار و الله دوست

گاهی می گویند: الله آ دوست علی دوست/ دوست آ الله دوست/ دوست آ دوست علی دوست/ دوست آ دوست الله دوست/

گاهی به جای الله دوست و علی یار می گویند: یاری بیدی الله دوست و علی یار/ یاری بیدی آ دوست و آ یار/ کمک بدی علی دوست و الله یار.

آشار مخصوص گندم درو نیست، می‌تواند برای علف درو و گردآوردن هیزوم، راه‌سازی، سرک سازی، آوردن علف ازکوه، جوی سازی، پاک سازی جوی و شاجوی، دیوارسازی و مانند آن ها باشد.

مالکان زمین گاهی دهقانان و کارگران خود را به جای خود و فرزندان خود به دیگران آشار می‌دهند.

گونه شناسی و طبقه بندی انواع یاریگری(آشار)

-خودیاری ۲- دگریاری ۳- تعاونی‌های سنتی ۴- همیاری.

فعالیت بر پایه یاریگری یا آشار در هزارستان چنین است:

۱- فعالیت های ساختمانی(خانه سازی)

۲- تهیه منابع آب برای مصارف آبیاری و آشامیدن و لایروبی.(نوور ساختن)

۳- فعالیت های راه‌سازی.

۴- گردآوری علوفه(دنگرکندو)

۵- گردآوری هیزوم(پشتیره آوردو)

۶- پاک کردن برف(راه جرو کدو)

۷- شخم زدن(چپچورکو)

۱. هر یک از این یاریگری ها یا به صورت مجزا، یا ترکیبی دوتایی و یا ترکیب همه با هم قابل مشاهده است.(مرتضی فرهادی، ۱۳۷۶)

نوع مالکیت زمین‌های کشاورزی

وجود نظام بزرگ مالکی و تک مالکی و «ارباب و رعیتی » بودن برخی روستاها در هزارستان نشان از نظام خانی در آن مناطق دارد. در کنار خان که صاحبان اصلی زمین‌های کشاورزی بودند خرده مالک‌های نیز وجود داشتند که هنوز وجود دارد. «مهاجرکار» و «صیفی کار» و دهقانان بومی همواره روی زمین‌های مالکان و خرده مالکان کار می کردند و از خود زمین نداشتند یا اگر داشتند کفاف زندگی آنان را نمی کردند.

دهقانان و کسانی که املاک خالصه مالکان بزرک یا خان را در اجاره داشتند، از اراضی تحت تصرف خویش، تنها حق تمتع مالی داشتند و زمین، مطلقا برای خان بود. رعایا، دهقان یا مستأجران املاک خالصه حق دهقانی داشتند. مالکان جز پرداخت حقوق کار و مزد کار دهقانی، هیچ گونه الزام و تعهد دیگری نداشتند. هر گاه هم، مورد اجحاف و تعدی واقع می‌شدند، حق داشتند برای شکایت و تظلم کنند اما به جایی نمی‌رسیدند. این‌گونه حق مالکیت دیریست برچیده شده است.

انواع سهم‌داری در زمین کشاورزی (دانگی)

این امر بستگی به مقدار زمین زراعی، مقدار آب، تغییر عوامل جغرافیایی، چون میزان بارندگی، ارتفاع و هموار و ناهمواری زمین، گرمسیر یا سردسیر بودن مناطق، حد دوستی و خویشاوندی صاحبان زمین با یکدیگر دارد. اگر سال خشک و کم آب باشد، از وسعت زمین‌های زراعی کاسته شود، و این محدودیت بر همه بهره برداران ده اثر می‌گذارد و به این ترتیب ممکن است که سهمداری زمین کم شود و کسی به دنبال دهقانی نرود. اما بالعکس، اگر سال نیکو و پر آب باشد و زمین‌های تازه‌ای بتواند زیر کشت برود، بنابر ضوابطی سنت کشاورزی هزارگی دهقانی رونق می‌گیرد. در این صورت تمامی بهره برداران ده بنابرسهم اولیه‌ی خود از زمین بهره مند می‌برند. این رسم و شیوه، رسم دیرینه و کهنی است که از گذشته تا کنون رواج داشته است.

ده یک

مالک پس از دادن ده یک سهم صاحب زمین، بقیه را برای خود بر می‌دارد.

پنج یک

مالک پس از دادن پنج یک سهم صاحب زمین، بقیه را برای خود بر می‌دارد.

نصفه‌کاری

کشاورز پس از دادن نصف سهم صاحب زمین، بقیه را برای خود بر می‌دارد.

زمین اجاره‌ای

کشاورز پس از دادن اجاره‌ی صاحب زمین، محصولات زمین کشاورزی آن سال را برای خود بر می‌دارد.

انبار کردن غله، گندم و حبوبات

نقش روی استوانه ای که دربامیان و غاری در جاغوری وجود دارد، معلوم می‌شود که هزاران سال پیش هزاره‌ها غله را در مخزن‌هایی که امروزه هم در بعضی از نواحی دیده می شود، ریخته و انبار می‌کرده اند. هزاره‌ها به این انبارها کندو و قرخ می‌گویند. کندو کوچک تر از قرخ است. کندو و قرخ انبار است که از پشت بام سوراخ بزرگ(موری) دارند که غله یا گندم را از آن‌جا می‌ریزند و برای درآوردن آرد از دریچه‌های کوچک تعبیه شده در سطح پایین کندو و قرخ استفاده می‌برند که به آن آرد خطا دیدو می گویند. علف‌های هرز، کاه و یونجه- رشقه وعلوفه ی پر ارزش برای دام ها، در انبار جداگانه‌ی به نام کادو(کاهدان) انبار می‌شود تا در زمستان به حیوان های خانگی داده شوند.

کشاورزی مدرن

کشاورزی مدرن، کشاورزی پایدار (کشاورزی زیستی) یا کشاورزی فشرده (صنعتی) اصلاح نباتات، تناوب زراعی، سموم، دفع آفات و کود و پیشرفت‌های تکنولوژیک که باعث افزایش بازده محصول می‌شوند، عناصر شیمیایی، کودهای آلی، کود سبز، کمپوست و مواد معدنی باشد، همچنین تناوب و یا دوره آیش، مهندسی منابع طبیعی و آبخیزداری در هزارستان کمتر راه یافته است. سازه‌های آبی، مهندسی منابع آب، ترویج و آموزش کشاورزی، اصلاح نباتات مدرن، علوم و تکنولوژی بذر، اگرواکولوژی، علوم باغبانی، اقتصاد کشاورزی، علوم خاک، علوم دامی، تولید و پرورش طیور، صنایع غذایی، حشره‌شناسی، بیماری شناسی، مکانیک ماشین‌های کشاورزی، بیوتکنولوژی در کشاورزی، توسعه روستایی، مهندسی تولیدات گیاهی، اصلاح گیاهان باغبانی، تولید مدرن محصولات باغی، هواشناسی کشاورزی، مدیریت کشاورزی، شناسایی و مبارزه با علف‌های هرز، مکانیزاسیون کشاورزی که امروزه برای هر کشاورزی در جهان شناخته است، به سبب عدم توسعه یافتگی و ستم ملی عریان برای کشاورز هزاره ناشناخته است.

کشاورزی و تولید دام

هزاره‌ها حیواناتی مانند قاطر، اسب، گاو، گوسفند وبز را برای استفاده از گوشت‌شان و یا محصولات دامی (مانند شیر، پشم و) ... و یا باربری پرورش می‌دهند. یک نوع پرورش، پرورش دادن دام در مراتع و کوه‌ها است. دام‌ها در مراتع و کوه‌ها و دامنه‌های آن رها می‌شوند تا از علوفه موجود در مراتع و کوه‌ها تغذیه کنند. کود حاصل از دام می‌تواند برای زمین‌های کشاورزی به صورت سنتی مفید باشد.

وضع کنونی کشاورزی

نشانه ای از کشاورزی مدرن در هزارستان به چشم نمی خورد و کشاورزی سنتی نیز با سیاست‌های بیمارگونه و عجیب و غریب ملی و قومی در حال کشیدن نفس‌های آخر است. این وضع اسفناک را در فصل کاشت و برداشت می توان به عینه دید. چه بسیار زمین‌هایی که در سال‌های اخیر دیگر کاشته نمی شوند و یا از بین رفته اند و می روند. و چه بسیار مردمی که با تمام علاقه و دلبستگی به روستا دیگر تاب ماندن ندارند و به شهرهای کابل، مزار، غزنی، هرات، لشکرگاه کوچ کرده اند. آنان در این شهرها جذب مشاغل سیاه شده اند تا از این آشفته بازار سهمی بر دارند. آنان حاشیه نشین شده اند و در بهترین شرایط با سیگار فروشی و دست فروشی کنار خیابان و یا با زدن یک دکه امرار معاش می کنند. در صورتی که در روستای خود کسی بودند و احترامی و در سایه کشاورزی زندگی بی دغدغه و آرامی داشتند.
کشاورزی درهزارستان تبدیل به یک کار پرهزینه و کم درآمد شده است. تراکتور و ماشین آلات کشاورزی به خاطر کمبود و گرانی سوخت با هزینه ای بالا فعالیت می کنند آن هم جایی که برای رفتن تراکتور راه باشد، که بیشتر نیست. هزینه خرید تراکتور بالاست که اگر قرار باشد تراکتور بخرد، کشاورز ترجیح می دهد با هزینه یک سوم پول خرید تراکتور، یک ماشین مسافربخرد و مسافرکشی کند. (امین شهنازی جنگ تپه)

باغداری و درخت‌کاری

هزاره‌ها به درخت‌کاری خشک کردن مرداب‌ها و تبدیل آن‌ها به به زمین‌های قابل کشت و کندن چاه و ساختن کاریز و بهره برداری از منابع آب‌های زیر زمینی دلبستگی داشتند و دارند. اصولا کندن رشته‌های از کاریز یا قنات برای هدایت آب‌های زیر زمینی از ابداعات خراسانیان و غرجستانیان اند. کاریزهای کهن، بندهای بلند و استوار و آسیاب‌های آبی درهزارستان گواه بر این ادعاست. این آسیاب‌های که هزاره‌ها به آن‌ها اسیه می گویند، اولین مهندسی هزارگی، سازه سازی و استفاده از ترکیب خانه سازی و استفاده از صنعت آب است.
درخت و درخت‌کاری نیز از دیر باز در هزارستان مقدس بوده است. نقش‌های گوناگون درخت از دوران‌های متفاوت تاریخی همواره زینت‌گر اشیاء نقش دار در غارها و سنگ نقش‌های هزارستان بوده است.

گیاهان مخدر

گیاهان مخدرمانند تنباکو، تریاک، کوکائین درهزارستان گشت گسترده ندارند. تنباکو برای ساخت نصوار،(ناس)توتون، چلم(قیلیان) به صورت خصوصی کشت می‌شود. تریاک در حدی که استفاده‌ی دارویی داشته باشد، کشت می گردد. اما کوکائین برای هزاره‌ها گیاه ناشناخته است.

گیاهان دارویی

دانشمندان و گیاه شناسان هزارگی در خلال مطالعه درباره ویژگی دارویی گیاهان به امور کاملا فنی نیز می‌پردازند. ویژگی گیاهان را می‌شناسند و از آن‌ها برای درمان بیماران استفاده می کنند.

منابع و مآخذ

. فرهنگ یاریگری در ایران (درآمدی به مردم شناسی و جامعه شناسی تعاون) / مرتضی فرهادی / مرکز نشر دانشگاهی / چاپ دوم ۱۳۷۶؛

۳. امین شهنازی جنگ تپه(آنایوردوم" جنگ تپه، آواجیق)؛

۴. گفت‌وگو با مردانی از دی کندی، بامیان، بهسود و جاغوری؛

۵. تاریخ شاهان ارغونیه، چوپانیان؛

(نیمه شب دوشنبه، فروردین ماه- حمل: ۱۹۹۱استادسرای موسسه تحصیلات عالی ابن سینا- کابل).

ش

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

